

**نگاه** **احمد سنینیایی**؛ تاریخ پژوه

رضاخان، سر کوب گری، یک روایت نامکرر

## تحریفی که تاریخ مصر ف دارد!

خشونت و سر کوب، هماره ابزار زورمداری بوده است. این رویکرد در تاریخ معاصر ایران، در نحوه نضج گیری گام به گام حکومت رضاخان، به وضوح قابل ردیابی است. قزاق از بدو پر کشیده شدن توسط انگلستان، راهی جز اشتمل، تهدید و ترور نمی شناخت و هم از این روی و طی سالیانی که پله‌های ترقی را می پیمود، جز به‌این راه نرفت. طبیعی بود که در فاصله کودتا تا پادشاهی، چنگ و دندان او بیشتر متوجه مخالفان نشود، آنان که در پیشانی وی آینده پر محنت کشور را می خواندند و هر آنچه را که بعدها روی داد، حدس می زدند و در چنین مجالی، چه سریع کلام آیت‌الله سیدحسن مدرس به ذهن می آید، که فرمود:

«در نقشه‌های که برای ایران بینوا طرح کرده‌اند، نوعی از تجدد به ما داده می‌شود که تمدن مغربی را، با رسسواترین قیافه‌اش به خورد نسل های آینده کشور خواهند داد. قریباً چوپان های ذریعیتی و کنگاور یا فکل و کراوات خوندمایی خواهند کرد اما در زیباترین شهرهای ایران، هرگز آب لوله کشی شده و تمیز برای نوشیدن مردم پیدا نخواهد شد. ممکن است شمار کارخانه‌های نوشابه‌سازی روزافزون گردد اما کوره‌های گداخت آهن و کاغذسازی و سایر کارخانه‌های اساسی پاخواهد گرفت. به‌زودی درهای مساجد و تکایا به بهانه منع خرافات و اوهام بسته خواهد شد، اما سبیلی از زمان‌ها و افسانه‌های خارجی که در واقع چیزی غیراز قصبه حسین کرد درنگی و رموز حمزه فرنگی نیستند، به وسیله مطبوعات و پرده‌های سینما به این کشور جاری خواهد شد، به‌طوری که پایه افکار و عقاید نسل جوان و اندیشه‌های دختران او پسران این سرزمین، تدریجاًبراساس همان افسانه‌های پوچ استوار خواهد گشت و مدنیت مغرب و معیشت ملل مترقی را، در رقص و آواز و دزدی‌های آرسن لوپن و بی‌غفتی‌هاومفاسد اخلاقی خواهند شناخت و این چیزها را لازمه تمدن خواهند شمرد…».



رضاخان در دوره پادشاهی

**خشونت و سرکوب، هماره ابزار زورمداری بوده است. این رویکرد در تاریخ معاصر ایران، در نحوه نضج گیری گام به گام حکومت رضاخان، به وضوح قابل ردیابی است. قزاق از بدو پرکشیده شدن توسط انگلستان، راهی جز اشتمل، تهدید و ترور نمی شناخت و هم از این روی و طی سالیانی که پله‌های ترقی را می پیمود، جز به این راه نرفت. طبیعی بود که در فاصله کودتا تا پادشاهی، چنگ و دندان او بیشتر متوجه مخالفان شود، آنان که در پیشانی وی آینده پر محنت کشور را می خواندند...**

گوینده این کلمات، مظلومانه در کاشمیر شهید شد، هر چند نامش به درازای تاریخ بلند شد. میرزاده عشقی، کیوان قزوینی، فرخی یزدی...نیز،هریک به‌همین راه رفتند. پس از قدرت‌یابی قزاق، نوبت به همدستان او رسید، چه آنان هم اهل سیاست بودند و هم از وی بیساری می دانستند. علاوه بر این رضاخان دوست داشت آنچه به کف آورده، نه معلول تدبیر آنان که حاصل کفایت خودش قلمداد شود. جعفرقلی خان سردار اسعد، عبدالحسین تیمورتاش، نصرت‌الدوله فیروز، علی کلبه داور و دیگری از این طیف نیز، به‌دیار عدلرهنمون شدند.اینان غیر از عده‌ای از م قربان و ملازمان بودند که زندان و تبعید را تجربه کردند. حکایت اراچی و گروه او نیز، در مقال اصلی این صفحه آمده است. اضافه بر این همه، تعداد مفقودین دوره رضاخان را، از ۵ تا ۲۰ هزار نفر نگارشاند!اجتماعی از افرادمستکرمی که یا حاضر نشده‌اند زمین‌های خویش را تقدیم خاک پای ملوکانه کنند یا با فلان صاحب‌منصب یا بهمان شهربانی چی، به اختلاف بر خورده بودند. در یک کلام از شرایط کشوری که بر صندوق های پست، یا بر گدایان مشرف به موت و حتی قیوم مخالفان مأمور مسلح بگمارند، حال آن دیار پیداست و نیازی به تطویل کلام نیست. روس و انگلیس بر کشور، از بیم مهاجمان خارجی و داخلی، با پا به فرار گذشتند و گوشه‌ای از آفریقا مسکن گزیدند. سخن از اینجا عجیب می شود که پس از سپری شدن ۱۵دهه، از این فضاخت‌های تاریخی رضاخان را پایه‌گذاری ایران نوین لقب دهند.با واقع این شعبده تاریخ است که پس از چندی، عده‌ای مجال می یابند تا بسه فر خود منافع خویش، آن را واژگونه سازند و امر را بر ناآگاهان مشتبه سازند. هرچند که امروزه رسانه‌های محور عبری- عربی، در قامت پشتوانه تبلیغی این وارونه‌نمایی ظاهر شده‌اند اما این چیزی از وظیفه محققان مستقل و صادق نمی‌کاهد. پاشنه آشیل این حرکت تحریف محور آنجاست که تاریخ مصرف دارد و در صورت مؤثر نیفتادن و حاصل نشدن نتیجه معهود، به آرشو برورنده‌های بی‌فراجم می پیوندد. امری که تحقق آن دور نمی‌نماید، چه اینکه سیاهه توطئه‌های رنگارنگ دشمنان علیه نظام اسلامی شاهدان آن است.

### گزارش

**سیده‌زهر احسینی کیا** روزنامه‌نگار سیاسی دست‌ت زدند که پایکدیگر تفاوت‌هایی عمیق داشتند اما سر نوشت مشترک تمامی آنها، دستگیری، شکنجه و حتی قتل توسط شهربانی رضاخانی بود. گروه ۵۳ نفر، یکی از آنها قلمداد می‌شود. بزرگ علوی، نویسنده معاصر در کتاب «۲۵۳نفر» توضیحات روشنگری از اوضاع زندان‌های پهلوی اول، شکنجه‌های روحی و جسمی زندانیان سیاسی، آزارهای وارد شده بر خانواده‌های آنان و نهایتاً اوضاع اجتماعی و سیاسی آن دوره به مخاطب عرضه می‌دارد. در این مجال، از شرایط زندانیان در دوره حکومت رضاخان، بر اساس روایتی که بزرگ علوی ارائه کرده است و البته صرف نظر از گریزات فکری و حزبی وی، خوانشی تحلیلی خواهیم داشت. امید آنکه مفید افتد.

**«۵۲نفر» چه کسانی بودند؟**
در مقطعی که افکار کمونیستی، به تازگی مسیر خود را بین بخشی از روشنفکران و جوانان ایرانی باز کرده بود و ظلم حکومت پهلوی و نارضایتی مردم نیز به نوعی بستر آن راهمایی ساخت، گروه‌های فکری و سیاسی متعددی در حال شکل‌گیری بودند. بی‌تردید برای رضاخان که با حمایت همه‌جانبه انگلستان بر جامعه تسلط یافته بود، بر آمدن چنین نحله‌هایی به‌مثابه هشداری جدی به شمار می‌رفت. در صبح روز ۲۱ اردیبهشت سال ۱۳۱۶، خبر دستگیری تقی اراچی و عده دیگری از هم‌مسلمانان وی، توسط اداره تأمینات نشر یافت. این گروه که از افرادی با افکار کمونیستی، سوسال دمکراتی، انترناسیونالیسمی و با بنیانین آنها تشکیل شده بود، به رهبری اراچی (رئیس‌اداره تعلیمات وزارت صناعت) به فعالیت ایدئولوژیک می‌پرداخت.

**دستگاه قضایی و زندان رضاخان**
امروزه به مدد اسناد موجود، تصویر روشنی از شرایط دستگاه قضایی و زندان‌های رضاخان وجود دارد. مامورین زندان و به‌خصوص آژان‌ها، برای توهین به زندانیان تربیت شده بودند و از هیچ اجحافی در حق ایشان فروگذار نمی‌کردند. این رفتارها باعث می‌شد که حتی قوی‌ترین افراد هم از یاد آیدناشماري از ۵۳ نفر پیش از ورود به زندان، معتقد بودند که مامورین قضایی ایران، هنوز به مقام‌لین پرولتر تنزل نکرده‌اند! اما پس از ورود به زندان و مشاهده فجایعی که برای محبوسین رخ می‌داد، در یافتند که قانون شکنی در تمام سطوح زندان، اداره تأمینات و دستگاه قضایی نفوذ کرده‌است و طی ۴سال و نیم مشاهدات خود در زندان، بی‌ترددند که حتی یک پاسبان نیز یافت نمی‌شود که به وظایف قانونی محوله، به‌درستی عمل کند و همه آنها را می‌توان با رشوه خرد! از تشا در تمام سطوح زندان، رسوخ کرده بود و مامورین زندان برای ورود اششیای ممنوعه و حتی دخانیات، رشوه می‌گرفتند. آنها در یافته‌بودند که پایه و اساس حاکمیت رضاخان، بر زورمداری، دزدی و رشوه بنیان نهاده شده‌است، درنتیجه خود را به چنین کاری مجاز می‌دیدند. از روایات موجود می‌توان دریافت که در محبس تنها چیزی که نمود نداشت، قانون بود. به‌طور ویژه نیروهای شهربانی، به تهدید و شکنجه اهالی اندیشه و روزنامه‌نویسان می‌پرداختند. بسا محبوسین بر اثر سوء تغذیه، بیماری و شکنجه کشته می‌شدند. حکومت رضاخان حتی از انتشار این اخبار نیز در راستای ارباب مخالفان و مردم، در بیرون از زندان سود می‌جست!، روسای زندان رضاخان، آزاد بودند تا برای ساکت نگه‌داشتن زندانیان، به هر حربی‌ای دست یازند و هر رفتندی را به کار گیرند. هم از این روی زندانیان برای تحقق این امر، به دروغ‌گویی، ایجاد تفرقه، ملاپمت در مواقع آشفتگی و شدت هنگام ضعف محبوسین مبادرت می‌کردند. مامورین زندان از طریق دوپه‌هزنی بین دسته‌های مختلف زندانیان سیاسی، آنها را به جان هم می‌انداختند.

**شکنجه‌های که شامل خانواده‌های زندانیان سیاسی نیز می‌شد!**

مجموعه اداره سیاسی شهربانی در دوره رضاخان، تلاش داشتند تا خانواده‌های ۵۳ نفر و سایر زندانیان را نیز متحمل بار عظیم شکنجه روحی کنند! مادران محبوسین را از پسرانشان می‌ترساندند و زنشان را به طلاق از شوهران تشویق می‌کردند! چه بسیار پیش

## تاریخ



# زندان قصر میدان اعمال قدرت قزاق

خوانشی از حبس و شکنجه «۳۵نفر»

بر اساس خاطرات «بزرگ‌علوی»

جلسه محاکمه این گروه، در محل دیوان جزائی تهران آغاز شد و تمام سؤالاتی که از آنان پرسیده شد، در باب مباحث ایدئولوژیک و شیوه تفکر این گروه بود. در دادگستری، اراده شهربانی حکمفرما بود و نمی‌شد از عدالت و قضاوت منصفانه، سراغ گرفت. در روز محاکمه، مامورین خشن و بهانه‌جوی اداره تأمینات، بر کار قضات محکمه نظارت می‌کردند تا دادگاه‌از مسیر از پیش تعیین‌شده خویش منحرف نشود! در محکمه مخیرین و روزنامه‌نگاران نیز حاضر بودند اما به‌دلیل اختناق و فضای سانسور در مطبوعات، اجازه نگاشتن و انتشار حقایق به آنها داده نمی‌شد، و کلابی حاضر در دادگاه نیز توان و شجاعت کافی برای دفاع از حقوق موکلین خود را نداشتند و اگر دفاعی می‌کردند، با تذکر رئیس محکمه روبه‌و می‌شدند و موضع خود را تغییر می‌دادند! چه اینکه می‌دانستند ارائه دفاع از متهمان این دادگاه، برای ایشان گران تمام خواهد شد. برخی از وکلا برای خوش رقصی در دادگستری رضاخانی، تا جایی که می‌توانستند به موکلین خود توهین می‌کردند و چنان موعوب شرایط ارائه دفاع از نهاد شده بودند که بعد از دفاعیه موکلین خود، آنها را تشویق به سکوت و تمکین می‌کردند!

به هر روی تبلیغات شهربانی و وزیر عدلیه در جامعه، مبنی بر محاکمه آزاد و عادلانه نمود اشخاص، سیاسی بود و عده‌ای زندانیان که به چنین وعده‌های پوچی دل خوش داشته بودند، پس از چندی پرده‌ها را کنار رفته و حقیقت قضاوت دستگاه عدلیه را مشاهده کردند. از سوی دیگر روزنامه‌فروران به دستور اداره شهربانی، قبل از هر گونه اثبات اتهام به ۵۳نفر، در شهر فریاد می‌زدند: «محاکمه خائنین». این سیاست جاری رفتار به زندانیان ثابت می‌گردد که هر کس بخواد ابتدای‌ترین حقوق خود را در آن شرایط مطالبه کند، محکوم به آزار و شکنجه خواهد بود. در این میان اما مامورین شهربانی و زندان، در شکنجه‌دادن ۵۳نفر، یکدیگر سبقت می‌گرفتند. این در حالی بود که آنان، هیچ دلیلی مبنی بر اقدام عملی این عده علیه حکومت رضاخان نداشتند، جز آنکه این افراد معتقد به مرام چپ بودند‌اند.



**ممنوعیت‌های فرهنگی در زندان**
یکی از موضوعاتی که برای حکومت پهلوی اول، عامل رعب و وحشت قلمداد می‌شد، مطالعه و اموختن سواد خواندنی و نوشتن، توسط برخی از زندانیان قافقدسواد بود؛ چراکه این امر می‌توانست، انگیزه‌های مقاومت را در آنان تشدید کند. روسای زندان با یادگیری و سواد محبوسین مشکل داشتند، چه اینکه کنترل ایشان را امنکلی می‌ساخت. بین روسای شهربانی و زندان، جهل، نادانی و بی‌سوادی چنان فراگیر شده بود که هیچ‌یک از ایشان به‌فکر آموختن نبود. آنان تمامی وقت خویش را، به قمار، استعمال دخانیات و مشروبات الکلی می‌گذرانند. از سوی دیگر ورود قلمداد می‌شد با این حال مامورین زندان با گرفتن رشوه، تا مدتی این ممنوعیت را برای زندانیان مرتفع می‌نمودند. سوی دیگر محبوسین روشنفکر و اهلی فرهنگ، نمی‌توانستند روزها و ساعات زندان خویش را، بدون بهره‌گیری از کتاب و کاغذ و قلم سپری کنند. مهم‌ترین هدف زندانیان از مطالعه کتاب، تکمیل اطلاعات سیاسی خود بود. محبوسین تا جایی که می‌توانستند، کتب را لایه‌لای وسایل مختلف پنهان می‌کردند تا مأموران برای ایدآ و شکنجه آنان، دلیل جی‌یابند.

**محاکمه ۵۳نفر**
اداره سیاسی شهربانی، از ۵۳نفر اعترافاتی گرفته بود که اگر محبوسین به آن مطالب حفته شده معترف نمی‌شدند، شکنجه و محرومیت از وسایل معمول زندگی در انتظار ایشان بود! در روز ۱۰آبان ۱۳۱۷،

شهربانی از ترس برخی پیامدها، مفاد واقعی محاکمه ۵۳نفر را در خفا نگه‌داشت، اما برخلاف انتظار عاملان، این محاکمه مخفی بیشترین تبلیغ را برای این زندانیان به عمل آورد! یکی از دلایلی که باعث شد تا حکومت رضاخان با تمامی قسوا، دادگاه ۳۵نفر را در خفا نگه دارد، ترس از ترویج مخالفت با دستگاه سیاسی، توسط تعداد زیادی از جوانان و مردم بود، چه اینکه جامعه آن روز به‌دلیل استعداد ایستادگی برابر دیکتاتوری، پذیرای چنین رویکردی بود. قبل از محاکمه ۵۳نفر، رئیس شهربانی به شاه چنین تفهیم کرده بود که اگر این عده توقیف نمی‌شدند، بیم آن می‌رفت که سلطنت پهلوی واژگون شود! نکته مهمی که دستگاه امنیتی رضاخان آن را نادیده می‌گرفت، این بود که ۵۳نفر، تنها تعداد اندکی از مردم ایران بودند که به شرایط حاکم اعتراض داشتند اما در سطوح دیگر نیز افراد بسیاری با عقاید متفاوت از ۳۵نفر بودند که آنان زوال و نیستی رضاخان را می‌خواستند

### فرجام ترقی اراچی

دکتر تقی اراچی در تاریخ ۱۴بهمن ۱۳۱۸، در زندان کشته شد. مرگ او به‌رغم هر آنچه تاکنون درباره آن گفته شده است، را ازآلود به‌منظر می‌آید! بز شک معاینه‌کننده وی، علامت مسمومیت را در جسد مشاهده کرده‌بود. طی دورانی که اراچی در زندان بیمار شده بود، اجازه ورود هیچ‌گونه دارو و غذا توسط خانواده او داده نمی‌شد. مسلمانا رفتار روسای زندان با اراچی، به قصد زجر و مرگ او بود. پس از درگذشت مرمروز اراچی، حکومت رضاخان در توجیه آن ناتوان شد و نتیجتاً ضعف و تزلزل فراوانی تجربه کرد. عامل سستی پایه‌های حکومت، نخست کردار خود رژیم و سپس وجود انبوهی از زندانیان سیاسی بود. در نتیچه زندان به منزله مرکز تفک فعالیت‌های سیاسی قلمداد می‌شد و عمال رضاخان در یافتند که کنترل آن مهم است؛ چرا که هر حادّه کوچک در زندان، منجر به وقوع حادثه‌های بزرگ‌تر در خارج از آن می‌شود.

### لغو عفو عمومی

در این ایام ملتهب، مردم و زندانیان سیاسی به این باور رسیدند که مسبب افواج فقیع جامعه ایران، شاه و زمامداران آن هستند، اما با‌الغای عفو عمومی در سال ۱۳۱۸، این تفکر به یقین مبدل‌شد. در موعد مراسم ازدواج ولیعهد، قرار بر عفو عمومی زندانیان سیاسی بود اما در لحظه آخر و از بیم‌های امنیتی، عفو عمومی لغو شد. این اتفاق باعث اثبات دروغ‌زنی زمامداران، ضعف حکومت و ترس از قدرت مردم شد. عفو عمومی در همه جای دنیا، شامل حال زندانیان سیاسی می‌شد؛ به‌ویژه زندانیان عمومی که جرم آنان، جنبه فکری داشت و مدعی خصوصی نداشتند. در اردبیهشت ۱۳۱۸، بسیاری از قاتلان و اشترار عفو شدند، ولی هیچ‌یک از محبوسین سیاسی آزاد نشدند.

### فرجام ۵۳نفر

در ۲۵شهریور ۱۳۲۰، رضاخان استعفا کرد و حکومت را به‌دست ولیعهد سپرد و ۳ روز پس از آن، بخشی‌از زندانیان سیاسی آزاد شدند. در شهریور ۱۳۲۰ قوای متفقین وارد کشور شدند. بی‌تردید حکومت رضاخان، تنها با عامل خارجی از پا در نیامد بلکه این رژیم بسبب دلیل نارضایتی گسترده عموم مردم، پیشاپش محکوم به زوال بود. دولتین انگلیس و شوروی، وارد ایران شدند و شاه، افسران ارشد و وزرا هم فرار کردند. حمله متفقین به ایران، یکی از عوامل آزادی ۵۲نفر(اراچی) در زندان کشته شده بود، ولی دلیل اصلی آزادی آنان، فشار افکار عمومی بر بقایای رضاخان بود. وقایع ۲۶شهریور ۱۳۲۰ و کشته‌شدن چند تن از مبارزین جوان در زندان، باعث تسریع در کار آزادی زندانیان سیاسی شد. برای حکومت جدید، هیچ چیز بیش از امنیت نداشت و اگر در داخل زندان اتفاقی می‌افتاد، دیگر آرام‌نگه‌داشتن خارج زندان کار آسانی نبود و از همین جهت، عفو محبوسین سیاسی در اولویت کار جانشین رضاخان قرار گرفت و ۵۳نفر آزاد شدند.

بزرگ علوی

### تاریخ جهان

### قرن چینی

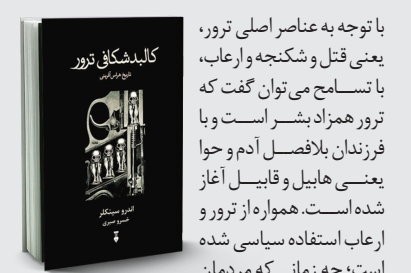


کتاب «قرن چینی» اثر «ولفرام السننر» را خ. طه‌پوری به فارسی برگردانده و از سوی انتشارات اشاره منتشر شده است. تصویر ما از چین تحریف شده و در معرض دید قرار نگرفته است. ولفرام السننر چشمان خود را باز می‌کند و خواهش می‌کند که با قدرت شماره یک جهان گفت‌وگوی باز داشته باشد. همه در مورد چین صحبت می‌کنند. درست! چرا که چین شماره ۱ جدید از نظر اقتصادی، فناوری، زیست‌محیطی و همچنین از نظر اجتماعی(!) کشور پیشرو قرن بیست‌ویکم است. در یک بازه زمانی بسیار کوتاه، از یکی از فقیرترین کشورهای در حال توسعه به کشوری با درآمد سرانه متوسط که تا به امروز در جهان بی‌نظیر است، تسلط یافت. اما خدمات آن بسیار فراتر از سرانه تولید ملی است. بینش‌های واقع‌بینانه‌ای را در مورد مناطقی ارائه می‌دهد که به سختی شناخته شده‌اند یا فقط در «غرب» به‌شدت تحریف شده‌اند و شانس یک مشارکت جدید را نشان می‌دهد.

ولفرام السننر (زاده ۲۹ ژانویه ۱۹۵۰ در بادزوستن) یک اقتصاددان آلمانی است. السننر در سال ۱۹۸۵ در دانشکده اقتصاد دانشگاه فیلده به موضوع تحلیل نهادی اقتصادی دست یافت. داوران روزنر گلاسنستر، زیگفرید کانرله و گرهارد شودیاور بودند. السنر استاد اقتصاد در دانشگاه برمن است. او رئیس مؤسسه تحقیقات اقتصادی دولتی برمن بود. تکالیف بین‌المللی تدریس او را به‌عنوان استاد کمکی به دانشگاه میسوری-کانزاس سیتی برده است. السنر از سال ۲۰۱۵ استاد مدعو در دانشکده اقتصاد در دانشگاه جیلین در چانگچون (چین) بوده است.

### تاریخ خشونت

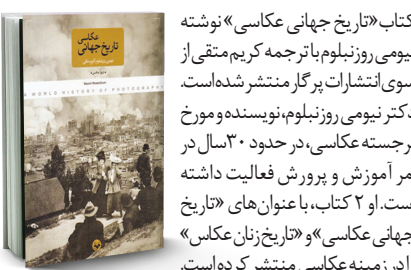
### کالبدشکافی ترور



با توجه به عناصر اصلی ترور، یعنی قتل و شکنجه و ارباب، با تاسعام می‌توان گفت که ترور همزاد بشسر است و با فرزندان بلافصل آدم و حوا یعنی هابیل و قابیل آغاز شده است. همواره از ترور و ارباب استفاده سیاسی شده است؛ چه زمانی که مردمان باستان در پی کسب خونبار قدرت بوده‌اند و چه در طول مبارزات خشونت‌بار انقلابیون و شورشیان مسلح و چه در هیات دولتی‌اش با قتل عام‌های میلیونی در جنگ‌ها و پاکسازی‌ها. از عصر هومر تا دوران القاعده ترور یست‌ها کوشیده‌اند تاریخ را بر زمین آفشته به خون بنا کنند. اندرو سینکلر، مورخ و رمان‌نویس و فیلساز انگلیسی، این کتاب را «کالبدشکافی ترور» نامیده است؛ زیرا پرداختن به موضوع چنین نامتعمین، بدون کالبدشکافی و تحلیل جنبه‌های مختلف آن ممکن نیست. کالبدشکافی ترور به بهره‌گیری بشر از ترور و ارباب در طول تاریخ می‌پردازد. سینکلر بررسی ترور را از اساطیر یونان آغاز می‌کند و کار خود را طی ۴۲ فصل، با رعایت تقدم و تأخر تاریخی، ادامه می‌دهد. خواننده پس از مطالعه کتاب به‌خوبی از وضعیت کلی بشسر در طول تاریخ و مصایبی که تحمل کرده و درنده‌خوشی‌اش که هر گاه مجالی یافته بروز کرده است، آگاهی می‌یابد و نیز به‌مزای‌ری راهی که‌برای تعالی پیش‌روی اوست پی می‌برد. نشر نوبه‌تازگی چاپ دوم کالبدشکافی ترور نوشته «اندرو سینکلر» را با ترجمه خسرو صبیری در ۵۲۵صفحه به‌بهای ۲۴ هزار تومان منتشر کرده‌است.

### تاریخ هنر

### تاریخ جهانی عکاسی



کتاب «تاریخ جهانی عکاسی» نوشته نیومی روزنبلوم با ترجمه کریم متقی از سوی انتشارات پرگار منتشر شده‌است. دکتر نیومی روزنبلوم، نویسنده و مورخ برجسته عکاسی، در حدود ۳۰سال در امر آموزش و پرورش فعالیت داشته است. او ۲ کتاب، با عنوان‌های «تاریخ جهانی عکاسی» و «تاریخ جهانی عکاسی» را در زمینه عکاسی منتشر کرده‌است. متخصصان رشته‌های مختلف، خوانندگان عمومی و همچنین دانشجویان مورد استقبال و پذیرش قرار گرفته است. اینگونه آثار باگذشت زمان کلاسیک و کهن می‌شوند، نه کهنه. تاریخ کلاسیک عکاسی نیومی روزنبلوم، مسیر تحولات این شکل هنری جوان را به ترتیب تاریخی و همچنین موضوعی، مورد بررسی قرار می‌دهد. دکتر روزنبلوم، با بررسی نقش‌های متنوعی که عکاسی در بیان ایده‌ها،ایفا کرده‌است، به مباحثی چون پرتره‌رئازی، مستندنگاری، تبلیغات و فوتوژورنالیسم و خود دوربین، به‌عنوان ابزاری برای بیان هنری شخصی، توجه ویژه‌ای دارد. کتاب او، با نزدیک به ۹۰۰ تصویر از عکاسان مشهور و به‌عنوان نقاش عکاسی، در سال ۱۹۹۴ منتشر شد و اکنون به فرانسوی، ژاپنی، لهستانی و چینی ترجمه شده‌است.

مشمبه‌تیر ۷ خنبر ۱۴۰۱ شماره ۸۵۳۱

۳۳